

## تحلیل هفتگی - مرداد ۶۱

### باید خواند تا دانست

# مسخ انقلاب ۵۷

## یکبار هم ممکن نشد

در این شماره تحلیل هفته، شما با نظرات آن روحانیونی آشنا می شوید که در موج ترورهای دهه ۶۰ مثل دانه انار از روی زمین برچیده شدند تا جاده مسخ انقلاب هموار شود. همچنین با ریشه های سندیکا ستیزی و کارگر ستیزی در درون حاکمیت جمهوری اسلامی، از همان ابتدای پیروزی انقلاب آشنا می شوید. این آشنایی، برای درک شرایطی که امروز کارگران و سندیکاها در آن قرار دارند ضروری است. همچنین با نظر حزب توده ایران درباره سرانجام انقلاب مشروطه و نقش عوامل نفوذی در درون آن انقلاب و بازگرداندن استبداد به ایران و سپس با همین روش در جمهوری اسلامی آشنا می شوید که روشی است انگلیسی برای بازگرداندن سلطنت استبدادی به ایران زیر نام جمهوری! کاری که قرار بود رضاشاه با همین نام، یعنی با نام "جمهوری" انجام بدهد و آنجا که با مقاومت روبرو شد، مخوف ترین سلطنت را پایه گذاری کرد و به همان نتیجه ای رسید که با جمهوری می خواست برسد. ولایت مطلقه فقیه از ابتدا نطفه ای بود انگلیسی که برای مسخ انقلاب ۵۷ در جمهوری اسلامی بسته شد تا جمهوری را به نوع دیگری به سلطنت تبدیل کند.

یادآوری این نکته نیز در ادامه انتشار "تحلیل هفته" برای خوانندگان آن در راه توده ضروری است که ما در باز انتشار "تحلیل هفته" ها، اولاً بخش رویدادهای جهان را حذف کرده ایم و همچنین در ویراستاری جدیدی که می کنیم، عمدتاً توجه داریم به اساسی ترین نکاتی که نشان میدهد آن جمهوری اسلامی و انقلابی که حزب توده ایران از آن حمایت کرد دارای چه ظرفیت ها و نگرش ها و سیاست هائی بود و مقایسه آن با تحولات و شکل و شمایل کنونی جمهوری اسلامی باید بتواند به نسل جوان و جدید ایران نشان بدهد که حزب ما از چه چیز و چه کس و چه نظام و چه انقلابی حمایت کرد. این مقایسه باید بتواند آن تبلیغاتی را خنثی کند که بر مبنای آن، جمهوری اسلامی کنونی را به نسل جدید ایران نشان داد و حزب ما را متهم به حمایت از این جمهوری می کنند. سر حزب ما را از بدن آن جدا کردند، به جرم دفاع از انقلاب و نظراتی که می خوانید. این افتخاری است ثبت شده در تاریخ حزب و انقلاب. به همین دلیل، در بازتاب و بازانتشار رویدادهای داخلی نیز عمدتاً می کوشیم آن نظراتی را منتشر کنیم که به تحولات و تصمیم گیری ها و تقابل خطوط سیاسی و طبقاتی حاضر درحاکمیت می پردازد، نه مطالبی که می تواند بازتاب دهنده حوادث حاشیه ای روز در ایران و در زمان خود باشد. جای خالی برخی مطالب، از جمله درباره اسناد بیرون آمده از سفارت امریکا و یا مسائلی که درباره نهضت آزادی و ملیون در زمان خود و بموجب تحولات آن روز ایران مطرح بود، ارتباطی با آن دلیل و انگیزه ای که ما با توجه به آنها برای بازانتشار تحلیل هفته اقدام کرده ایم ندارد. با این مقدمه، حال "تحلیل رویدادهای ایران و جهان - ۱۰ مرداد ۱۳۶۱" را می خوانید:

در باره مسائل مربوط به جنگ در "پرسش و پاسخ"های رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب و تحلیل های هفته های گذشته مطالب لازم گفته شده و مراجعه مجدد به آنها مفید است.

### امریکا خواهان ادامه جنگ است

در این زمینه توجه رفقا را به موضع گیری مهمی، که طی هفته گذشته به عمل آمد و معلوم کرد که در واقع امریکا خواهان ادامه جنگ است، جلب می کنیم. درک و قبول این واقعیت که نفع انقلاب ما در ادامه جنگ نیست و دام امریکا دامن زدن به یک جنگ فرسایشی و تضعیف جمهوری اسلامی ایران است، می تواند یک دستاورد مهم و یک سرآغاز امید بخش به حساب آید. برای همه انقلابیون راستین مایه خرسندی است که در خطبه نماز جمعه ۸ مرداد و حتی در سرمقاله ۹ مرداد اطلاعات مشاهده می کنند که تحلیل های درستی از موضع امریکا در این جنگ بیان می شود. زیرا نتیجه مسلم درک درست، هشیاری و بیداری در برابر دام گستری های امریکا خواهد بود.

حزب ما مدت هاست که دو تاکتیک امپریالیسم امریکا را:

۱- تظاهر به تلاش برای پایان دادن به جنگ و آتش بس

۲- تدارک توسعه تجاوز و ادامه جنگ

را خاطر نشان کرده است (رجوع کنید به پرسش و پاسخ ۱۵ خرداد ۶۱)

ما گفته ایم که "اهمیت فوق العاده زیاد دارد که ما بدانیم کدام یک از این دو تاکتیک، تاکتیک اصلی امپریالیسم و ارتجاع مسلط است و کدام یک بازی سیاسی" (همانجا صفحه ۸). ما گفته ایم که: "اگر ما به این نتیجه برسیم که آمریکا با تمام قوا می خواهد هر چه زودتر جنگ را پایان دهد، تا از این راه بتواند صدام را حفظ کند، آن وقت این فکر پیش می آید که ما بایستی عملاً صدام را زیر فشار نظامی بگذاریم، برای اینکه سیاست آمریکا در هم شکسته شود. ولی اگر به این نتیجه برسیم که این سیاست آمریکا یک تظاهر دروغین است و آمریکا دارد تدارک می بیند برای توسعه دادن جنگ... آن وقت سیاست ما بایستی بر اساس این واقعیت تنظیم شود". (صحه ۱۱)

ما گفته ایم که: "به نظر ما در مرحله کنونی آمریکا با تمام قوا مخالف پایان یافتن جنگ است و با تمام قوا برای تدارک در جهت سرعت دادن آتش جنگ در مجموعه منطقه تلاش می کند". (رفیق کیانوری پرسش و پاسخ ۱۵ خرداد ۶۱)

همه اینها مربوط به دو ماه قبل است، و این سیاست و هشدارهای لازم را ما در این مدت و در مرحله تازه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تکرار کرده ایم و متأسفانه مورد اتهام و افترای کسانی قرار گرفته ایم که مدعی بودند "آمریکا و ارتجاع منطقه با اصرار خواستار آنند که جنگ هر چه سریع تر پایان پذیرد!" و اینک روز شنبه ۹ مرداد ۶۱ بالاخره در سرمقاله اطلاعات تقریباً با همان استدلالاتی که ما ارزیابی خود را ارائه کرده ایم، می خوانیم:

«اقدامات (امریکا) عده ای را چنان در مسیر انحرافی انداخت، که تصور کردند آمریکا دربر به دنبال صلح می گردد... و آمریکا تمام تلاش و کوشش خود را جهت "تحمیل صلح" مصروف کرده است... ولی نکته اصلی که نباید فراموش کرد، این جاست که آمریکا هم چنان خط ادامه جنگ را دنبال می کند، چرا که تصور می کند جنگ باعث ۱- تضعیف دو رژیم ایران و عراق خواهد شد. ۲- عراق بر اثر فشار جنگ هرچه بیشتر به دامان غرب و نهایتاً آمریکا خواهد لغزید؛ ۳- اسرائیل از قبل این جنگ (به زعم آمریکا) آسوده خاطر خواهد گشت، زیرا که تضعیف یک رژیم انقلابی و یک حکومت عربی نهایتاً به سود اوست؛ ۴- ایران بواسطه ادامه جنگ و ضرورت تهیه اسلحه خواه ناخواه به غرب نزدیک خواهد شد (زیرا که سیستم ارتش و تجهیزات ایران آمریکایی است و تغییر این سیستم بر راحتی و در کوتاه مدت امکان پذیر نیست) ۵- آمریکا به بهانه جنگ و خط توسعه آن روز به روز به حضور نظامی گسترده خود در خلیج فارس ادامه خواهد داد. ۶- جمهوری اسلامی ایران بواسطه مشکلات ناشی از جنگ نخواهد توانست انقلاب را در درون کشور کامل کند و این امر خود به خود خطر صدور انقلاب را کاهش خواهد داد ۷- ادامه جنگ با توجه به وضعیت اقتصادی ایران نارضایتی را در توده های مردم گسترش خواهد داد و زمینه را برای اقدامات بعدی فراهم خواهد کرد (زهی خیال باطل).»

این نکات و موضع گیری ها را رفقا باید با دقت دنبال کنند. از واقع بینی سیاسی، به دنبال کسب تجربه، حمایت کنند و همواره با فاکت های تازه به تازه ای درستی روش و سیاست حزب را توضیح دهند.

در مورد رویارویی "خط"ها و مرحله جدید آن و یورش مخالفان خط امام در عرصه های مختلف داخلی، لازمست که رفقا به تحلیل هفته گذشته بار دیگر توجه کنند و به رویدادهای جدید هفته را بر همان روال بررسی کنند.

#### ادامه سیاست کارگر ستیزی

سیاست کارگر ستیزی حاکم بر وزارت کار و نارضایتی تراشی در یکی از حساس ترین کانون های اقتصادی و اجتماعی کشور همچنان ادامه دارد. هفته گذشته روابط عمومی وزارت کار، به دنبال سیاست انحصارطلبانه و کوتاه بینانه مخالفت با تشکل های اصیل صنفی کارگری

**هفت سندیکای** کارگری دیگر را (به دنبال سه سندیکای مهم کارگری در ماه گذشته) "غیر قانونی اعلام کرد". این سندیکاها عبارتند از: سندیکاهای کارگری ساختمانی تهران و حومه، کارگران حرفه ای تاسیسات حرارت مرکزی و تهویه مطبوع تهران و حومه، کارگران نجار و قالب بند و آرماتوربند و بتون ریز تهران و حومه. کارگران نقاش ساختمانی تهران و حومه، کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه تهران و حومه، کارگران عکاس و آماتور تهران و حومه، کارگران درودگری های تهران و حومه. در همین هفته آقای **توکلی** وزیر کار در یک مصاحبه رادیو تلویزیونی، در نقش مدافع سرمایه داری ظاهر شد. وی عملاً قدرت دولت را در مورد تامین اشتغال انکار کرد و گفت سعی خواهد شد که "بخش خصوصی صالح را ترغیب به سرمایه گذاری کنیم."

به دنبال "واسطه صحیح"، که در وزارت بازرگانی ورد زبان ها است و "جوانمرگ شدن" طرح برنج و تسلط مجدد سرمایه داران بر برنج، "بخش خصوصی صالح" هم در وزارت کار چشم انداز یورش سرمایه داران عمده و گردانندگان زورمند و زر دوست حیات اقتصادی را می گشاید.

رفقا توجه دارند که این گونه الفاظ و عبارات ادا بیانی نو ظهور و ابداعی نیست و ده ها سال است که مدافعین سرمایه داری در برابر حق طلبی های کارگران و زحمتکشان به پندار گرائی پیرامون "سرمایه داری خلقی و صالح و صحیح و معقول" دست یازیده اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اساس اقتصاد کشور را دو بخش دولتی و تعاونی و بخش خصوصی را تنها "مکمل" آنها می داند. ولی آقای توکلی و سایر مدافعان سرمایه داری بی حد و حصر، ترغیب سرمایه گذاری توسط این سومی را مشکل گشای مسئله بسیار حاد و حیاتی اشتغال و مبارزه با بیکاری معرفی می کنند. مگر در قشر بالائی و مسلط همین بخش نیست، که باید آن "تروریست های اقتصادی" را، که چند ماه پیش آن همه صحبت از آنان بود، پیدا کرد؟ کاخ نشینان، به قول امام خمینی، که عمر صدتایشان به اندازه یک موی زاغه نشینان ارزش ندارد، مگر در همین جا نیستند؟ آن اصل ۴۹ قانون اساسی مگر در باره همین ها نباید اجرا شود؟

آقای توکلی با اینکه می داند "مبنای قانون کار فعلی همان قانون کاری است که در رژیم گذشته تنظیم شده"، در مورد تنظیم روابط کار می گوید: "ما مجبوریم آن را مبنای قرار دهیم و اگر در مواردی به اشکال برخوردیم، به رفع آن اقدام کنیم."

این هم لابد معنای برخورد انقلابی با قانون کار است! اما کارگران می دانند که فعلاً وزارت کار به طور عمده مواردی را که کارفرمایان به اشکال برمی خورند، دفع می کند و حتی حاضر نیست ماده ۳۳ قانون کار را، که کلیه کارگران الغای آن را خواهانند، یک "اشکال" تلقی نماید و به رفع آن اقدام کند.

کارگران در کنگره اخیر "شورهای اسلامی" در شیراز، این نهاد را "بازوی انقلاب، اهرم انقلاب، ستون فقرات انقلاب" نامیدند و اختیارات قانونی برای آن خواستند. حتی نخست وزیر هم قانونی بودن آنها را تصریح کرد و ادامه فعالیت آنها را تشویق نمود. ولی وزارت کار سیاست **ضد شورائی** خود را با شدت دنبال می کند.

این فقط سندیکا نیست که هدف حملات این خط قرار گرفته، "شوراهای اسلامی" و حتی اخیراً در مواردی "انجمن های اسلامی" هم - اگر جانب کارگران را بگیرند و در مقابل سیاست های غلط و ناراضی-کننده موضع گیری کنند- متهم و منحل می شوند.

اصولاً تشکل کارگری باب طبع گردانندگان وزارت کار نیست. هم اکنون به علت سیاست های غلط و تفرقه افکن و ضد کارگری و تشنج آفرین حاکم بر وزارت کار، کم نیستند واحدهای تولیدی و صنفی و مراکز کارگر، که دستخوش اختلافات و تنش ها شده است،

تعمدی یا ناآگاهانه، هرچه باشد، این سیاست‌ها برای عوامل ضد انقلاب بهترین خوراک و مناسب‌ترین زمینه را فراهم می‌کند و به زیان مصالح انقلاب و قانونیت و آرامش و تداوم و ازدیاد تولید تمام می‌شود. بدون تردید تشکل‌های صنفی آزاد و انقلابی در تنوع گوناگون آن، یکی از مفیدترین پشتوانه‌های دفاع از انقلاب و یکی از استوارترین دژها در برابر خطرات توطئه‌های دشمن است.

سیاست حمایت از سرمایه‌داری و باز کردن روزنه برای آنها، تا استثمارگران آن را به دروازه هجوم خانمان برانداز خود بدل کنند، به سود تحکیم جمهوری اسلامی ایران و مطابق با قانون اساسی نیست. تامین خواست‌های به حق و قانونی کارگران و زحمتکشان و محدود کردن قانونی فعالیت بخش خصوصی به همان چارچوب بخش "مکمل" و به ویژه محدودیت کامل گروه سرمایه‌داران عمده و گردانندگان خرپول و متنفذ بخش خصوصی، یعنی "تروریست‌های اقتصادی"، که هرگز نه "صحیح" عمل خواهند کرد و نه "صالح" خواهند شد، راه جلوگیری از توطئه‌های براندازی و پایگاه‌های داخلی آن و نیل به عدالت اجتماعی است. در این عرصه مهم و حیاتی نیز پیروان راستین خط امام هنوز تا تفوق و پیروزی و تا عرضه کردن و به کرسی نشاندن مثنی درست و انقلابی، مطابق با اهداف انقلاب، با اصل عدالت اجتماعی و با مفاد قانون اساسی، راه دشواری در پیش دارند.

### ضرورت واگذاری زمین‌های زراعی به دهقانان

در هفته گذشته پخش یک مصاحبه از آقای وزیر کشاورزی و چاپ یک رشته اسناد و اظهار نظرها از شهید آیت الله صدوقی، نماینده برجسته خط امام، بار دیگر مسئله بسیار حاد و جدی اصلاحات اراضی بنیادی و ضرورت حل سریع آن را در معرض توجه عموم گذاشت. آقای محمدسلامتی در مصاحبه خویش، ضمن برشمردن برنامه نوزده گانه وزارت کشاورزی، گفت که:

"قانون واگذاری زمین در حال حاضر در کمیسیون ویژه مجلس شورای اسلامی مورد بحث قرار دارد و نمایندگان وزارت کشاورزی و عمران روستائی نیز در جلسات این کمیسیون ویژه حضور دارند، تا نقطه نظرهای وزارتخانه را منعکس کنند و انشاءالله مشترکا به یک جمع بندی مفید و مطلوبی نایل شوند".

واقعیت این است که تا این جمع بندی به سود دهقانان زحمتکش و در جهت الغای کامل و بی‌خدشه بزرگ مالکی انجام نگیرد، به حال انقلاب و آینده میهن انقلابی ما، نه مفید خواهد بود و نه مطلوب. خوشبختانه شرکت نمایندگان وزارتخانه، که حتما از ستاد زمین هم در بین آنها هستند، این امید را می‌آفریند که پیروان راستین خط امام جز به یک جمع بندی مفید و مطلوب رضا ندهند و تسلیم "ذبح شرعی" این قانون بسیار مهم نشوند.

متأسفانه ترکیب کمیسیون و نحوه بحث‌ها تا حال معلوم نیست، ولی ضرورت قطعی دارد که نمایندگان هیئت‌های هفت نفری نیز در جلسات حضور یابند و نظریات سمینار اخیر سراسری را به نمایندگان تفهیم کنند و از روح قانونی، که مورد تأیید همه جانبه دهقانان زحمتکش قرار گرفته و آیت الله شهید بهشتی، آیت الله منتظری و آیت الله مشکینی از نظر فقهی بر آن صحه گذاشته‌اند، دفاع کنند.

آقای سلامتی خود بارها گفته است که تا برای مالکیت زمین‌ها تعیین تکلیف نشود، برنامه نوزده ماده ای قابل اجرا نخواهد بود. جهادگران انقلابی در جهت سازندگی بارها اعلام کرده‌اند، که اگر بزرگ مالکی باقی بماند و زمین به دهقانان داده نشود، تمام خدمات آنها در روستاها به سود استثمارگران و خوانین و اربابان تمام خواهد شد. در حالی که آنها می‌خواهند زحماتشان به توده مستضعف میلیونی دهقانان سود برساند.

گره اصلی، در واگذاری کامل و بدون استثنای زمین های بزرگ مالکی به دهقانان تھی دست است. تبصره ماده چهار، یعنی امکان بزرگ مالک به دادن اجاره و مزارعه (یعنی همان بساطی که در گذشته هم موجود و حاکم بود) و سایر نکات ضعف و نارسائی های قانون، از جمله مستثنیات مستکبرپروری چون اولویت فرزندان بزرگ مالکان و مفرهائی چون زمین های باغات و مکانیزه و دامداری ها، گره را کورتز خواهد کرد و در نتیجه تمامی اصل ذبح خواهد شد. مهم صورت ظاهر قضیه و کلاه شرعی که بر آن پوشانیده شود نیست؛ مهم یکی از حیاتی ترین اهداف انقلاب است، در صورت توفیق بزرگ مالکان و دستیاران آنها، عملی نمی شود و سرنوشت انقلاب را دچار مخاطره می کند. آقای سلامتی می گوید:

"هنوز هم در بسیاری از نقاط کشور مساله مالکیت اراضی لاینحل مانده و از این راه بعضی از اراضی حاصلخیز بدون کشت باقی مانده است".

وی تاثیر واگذاری زمین بر جلوگیری از مهاجرت روستائیان را خاطر نشان ساخت و گفت که:

"در اجرای بندهای الف و ب قانون یک میلیون و پانصد هزار هکتار زمین موات و بایر و دایر و موقت به بیش از ۴۰۰ هزار کشاورز داده شده است."

بنابراین، آنچه اکنون ضرورت حیاتی دارد، اجرای بند های ج و د، یعنی شمول اراضی بایر و دایر بزرگ مالکان، مافوق حد نصاب سه برابر عرف محل، بدون اجاره و مزارعه، بدون مستثنیات مختلف و بدون راه های فرار است، تا بیش از دو میلیون خانوار دهقان منتظر از اصلاحات ارضی شایسته انقلاب برخوردار شوند و پایگاه ضد انقلابی و بهره کشی بزرگ مالکی به طور قاطع ریشه کن شود.

در همین زمینه لازم به یادآوری است که متن سخنان و نوشته های آیت الله شهید صدوقی در این باره طی هفته گذشته انتشار یافت، برای آنها، که در فکر "ذبح شرعی" قانونند و بهانه های "مکتبی" برای جلوگیری از تصویب این قانون می تراشند، انتشار این موضع گیری ها نه تنها یک پاسخ، بلکه یک کوشش مهم خط امامی ها در راه دفاع از آرمان ها و اهداف انقلاب و خونبهای هزاران دهقان شهید و مقابله با مخالفان این خط می تواند ارزیابی شود. آیت الله صدوقی از جنبه شرعی مسئله گفت:

"چون لایحه شورای انقلاب از ناحیه امام امت رد نشده، اشخاص عادی حق انتقاد ندارند." وی خطاب به "جهاد سازندگی" نوشت:

هر گونه کمک که **میسور** است، در باره مسئله واگذاری زمین مبذول دارید و به آنها کمک کنید."

در پاسخ به سؤال هیئت ۷ نفری، پیرامون احکام دادگاه ها، که حکم اخراج کشاورزان را به دنبال شکایت مالکان داده اند، آیت اله صدوقی نوشت:

"متأسفانه دادگستری بر طبق عادت دیرینه رفتار می نماید. هر حکمی که به ضرر کشاورزان صادر کرده و اسلام آن را امضا نکرده صد در صد لغو و غیر قابل پذیرش است."

در جای دیگری آیت اله شهید گفته است:

"ثبت و سند مالکیت نمی آورد."

در باره قانون مصوبه شورای انقلاب، که برخی محافل ذی نفوذ اینک می خواهند آن را مسخ کنند، گفت:

"کار به دست کسی صورت گرفته که صلاحیت این کار را داشته است. فلان خان و فنودال اصلا حق اینکه دخالت کند، ندارد... ما نبادی تابع فنودال ها و خان ها باشیم. باید به مستضعفین برسیم و اراضی را بین مردم مستضعف و بینوا تقسیم کنیم."

رفقا، ما این گفته ها و نوشته های آیت الله شهید صدوقی را، که این هفته انتشار یافت، ذکر کردیم، تا در کار و فعالیت شما، به خاطر حمایت از نیروهای خط امامی در تدوین و تصویب قانون بنیادی اصلاحات ارضی شایسته انقلاب و دفع حملات پی در پی وابستگان به بزرگ مالکان و تحریف کنندگان مسلمان نمای روح مصوبه شورای انقلاب، از زبان روحانیون برجسته خط امام و شهید محراب آدله تازه ای در دست داشته باشید.

انقلاب ایران بدون دستیابی به هدف اصلاحات ارضی بنیادی و ریشه کن کردن بزرگ مالکی، در تمامی اشکال اربابی و سرمایه داری آن، به پیروزی کامل نخواهد رسید.

انقلاب مشروطه را گرامی بداریم و از درس های آن بیاموزیم

روزهائی که این تحلیل به دست رفقا می رسد، مصادف است با سالگرد یکی از مهمترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران و انقلاب مشروطه، انقلابی که با شرکت توده مردم و به همت انقلابیون نامداری بر سر جاده تاریخ کهنسال ایران، علامت بارزی از یک چرخش است.

انقلاب مشروطیت ایران در عمده ترین خصلت های خود انقلابی بود ملی و دموکراتیک، انقلابی بود علیه سلطنت و اختیارات مستبدانه و نامحدود شاه، علیه نظام فئودالی و خان خانی و سیطره دربار و وابستگان به آن، علیه استعمار بیگانه و عارت های بی حسابش و امپریالیسم، که در نخستین گام هایش امتیازاتی استقلال شکن به دست می آورد. مشارکت وسیع مردم محروم شهرها و دهات مهر مردمی بر چهره این انقلاب زد و صفحات درخشان و افتخار آمیزی را در تاریخ میهن ما به ثبت رسانید، "تا که آزادی از خون بروید"، ولی انقلاب به واقع پیروز نشد، مسخ شد و در چنگال کارگزاران استعمار و ارتجاع و زور و زر پرپر زد. "شعله ای بود و خاموش کردند- نغمه ای بود و بردند از یاد".

امروز برای ما درس های شکست و درک علل آن حائز نهایت اهمیت است. شکست نتیجه توطئه امپریالیسم خارجی (انگلستان و روسیه تزاری) و عمل عناصر دو رو نا استوار داخلی، ثمره مسخ تدریجی آن به دست عناصری بود، که مانند موریانه انقلاب را از درون خوردند. لنین نوشت:

"این توطئه ای است مستقیماً برای خفه کردن انقلاب آسیا" و خطاب به کارگران گفت:

"سرمایه داری شما را می بلعد، ایران و هر جای دیگری را خواهد بلعید. تا آن گاه که شما او را سرنگون کنید، سرمایه داران لیاخوف های خود را به ایران می فرستند. وظیفه مارکسیست ها آن است که سرمایه داری را در پیشگاه کارگران افشاء کنند".

از یک سو، لیاخوف ها و صدرااشراف ها میادین تیرباران و شکنجه گاه ها را سرخ فام کردند، از سوی دیگر عوامل نفوذی آن زمان به تکاپو افتادند، همان هائی که امروز ریش می گذارند و تسبیح می گیرند، آن روز یا متجدد و مشروطه خواه شدند، یا اسلام نمای افراطی، تقی زاده ها و مشیرالدوله ها و ناصرالملک ها و حکیمی ها مانند موریانه به جان انقلاب افتادند و به نام "انقلاب"، انقلاب را مسخ کردند. در نتیجه کسانی که در پایان کار پیروز شدند، عین الدوله ها و شعاع السلطنه ها و ظل السلطان ها بودند، که دوباره به نام مشروطه، همان بساط کهن را با دستگاه هایی برقرار کردند. در این میان بازی خورده هایی نظیر پیرم خان ها، در عمل آلت دست ضد انقلاب شدند.

دوستان نادان انقلاب کارشان به مقابله با انقلاب و کشتن انقلابیون اصیل کشید. در آن زمان هم "اسلام نمایی" برای شکست مشروطه خواهی رسم شد و شخص محمد علی شاه با پای برهنه به سفاخانه ها می رفت و شمع می گذاشت و روحانیونی که با دربار و سفاخانه ها رابطه داشتند، با تظاهر به اسلام، با انقلاب مخالفت می کردند، بیم از توسعه نهضت انقلابی،

ترس از توده زحمتکش و حق طلبی که خواست های مسقلانه خویش را مطرح می کرد، فریب خوردن از دشمنانی که به هیئت دوست درآمده بودند، تحمل عناصر مشکوک و نفوذی، انقلاب را ضربه پذیر کرد و آنگاه که موریانه ها کار پلید خود را آغاز کردند، دیگر تا مسخ آن فاصله ای نبود، بویژه که تناسب نیروها در عرصه جهانی هنوز به سود خلق ها و زیان سرمایه داری انحصاری و ارتجاع و استعمار نبود و دنیای ما تازه در آستانه دوران نوین تکامل خویش قرار داشت. مردم قهرمان ما در این مبارزه نام تابناک ستارخان ها و باقرخان ها، حیدر عمواغلی ها و علی مسیو ها و روحانیون مشروطه طلبی چون طباطبائی ها و بهبهانی ها و ملک المتکلمین ها و شیخ سلیم ها را بر ناصیه تاریخ خود نوشتند.

اگر تاریخ را نه داستان جالب گذشته ها، بلکه درسی آموختنی برای حال و آینده بدانیم، از انقلاب مشروطه بسی چیزها فرا خواهیم گرفت. این پندگیری به خاطر تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن است که، بزرگترین رویداد تاریخ ماست و اکنون در معرض شدیدترین توطئه ها و مکارانه ترین دام ها قرار دارد و انواع دستجات و انجمن ها و موریانه های لیبرال و قشری و انحصار طلب و اسلام نما در صدد مسخ آن و سترون کردن آن هستند.

وظیفه توده ای هاست که انقلاب مشروطه ایران را گرامی بدارند، درس های آن را بیاموزند و ترویج کنند.

۱۳۶۱/۵/۱۰

راه توده ۲۰۲ ۲۰۰۸، ۱۱، ۱۷